



# قرآن خلاقیت و نوآوری

دکتر اکرم دیانی در دشتی  
دکترای علوم قرآن و حدیث

## چکیده

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص)، با ظهور در جامعه جاهلیت، مردم آن روزگار را از ظلمات نادانی و روشنایی دانایی هدایت فرمود: که امروز پس از گذشت قرن‌ها و انجام تحقیقات گوناگون مبانی علوم مختلف از قبیل جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، طب و نجوم و... در قرآن یافت شده است. و این کتاب عظیم با نشان دادن آیات و نشانه‌ها، مردم را به سوی تفکر و خلاقیت و در نتیجه هدف خلقت یعنی کمال دعوت نموده است از این رو در جای جای این مصحف شریف عبارت «لعلکم تتفکرون» و یا نظایر آن به چشم می‌خورد. این مقاله به بررسی تفکر خلاق و خلاقیت در قرآن کریم پرداخته است.

کلید واژه‌ها: قرآن، خلاقیت، تفکر، منابع، موانع.

## خلاقیت<sup>۱</sup>

ریشه خلاقیت، خلق است و خلق در اصل به معنای اندازه‌گیری و تقدیر می‌باشد و از آنجایی که آفریدن توأم با اندازه‌گیری است، «خلق» را آفریدن معنی می‌کنند.<sup>۲</sup> راغب می‌گوید: «خلق به معنی اندازه‌گیری درست است و در ابداع شیء و ایجاد چیزی از چیز دیگر به کار می‌رود».<sup>۳</sup>

«خَلَّاق» صیغه مبالغه و به معنی بسیار آفریننده، از اسمای حسناى خداوند است. در قرآن کریم در دو مورد واژه «خَلَّاق» به کار رفته است.

«إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (حجر، ۱۵/ ۸۶)؛ به درستی که پروردگار تو همان آفریدگار آگاه است. «أَو لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس، ۳۶/ ۸۱)؛ آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده قادر نیست که مانند ایشان را بیافریند؟ چرا او آفریدگار آگاه است.

بر اساس این آیات «خَلَّاق» از اسامی خداوند تبارک و تعالی است. در حقیقت خداوند اولین خَلَّاق و نوآور جهان خلقت است. خَلَّاقیت او متنوع بوده و زیبایی و نظم شگرفی را در عالم بنا نهاده است. این خَلَّاقیت دائمی و مستمر است. «لَا كَلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ...» (الرحمن، ۲۹/ ۵۵).

خداوند در سوره مؤمنون، مراحل خلقت انسان را به طور دقیق و علمی بیان کرده است:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ\* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَظْفَةً فِي قرارٍ مَكِينٍ\* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً مَضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمَضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا\* أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۲۳/ ۱۴-۱۲)؛ و همانا انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، پس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم آن گاه نطفه را لخته خونی کردیم و لخته خون را به پاره‌گوشتی مبدل نمودیم، پس آن را استخوان‌ها کردیم. آن گاه به استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم، پس آن را آفرینش دیگر دادیم [در آن روح دمیدیم] پس پرخیر و پاینده است، خدایی که بهترین آفرینندگان است.

بر اساس این آیات مراحل خلقت انسان عبارتند از: ۱. عصاره‌ای از گل ۲. نطفه ۳. علقه (خون بسته) ۴. مضغه (گوشت جویده شده) ۵. عظام و استخوان بندی و اسکلت ۶. آفرینش تازه و جدید (نفخ روح)...

از تعبیر «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» - بهترین خالق‌ها استنباط می‌شود که خلقت تنها مختص به خدا نیست و علاوه بر خداوند انسان نیز قدرت و توانایی آفرینندگی دارد. یعنی همان طور که قبلاً متذکر شدیم که خلقت به معنای تقدیر است و تقدیر یعنی مقایسه چیزی با چیز دیگر که اختصاص به خدای تعالی ندارد. <sup>۴</sup> بنابراین غیر از خداوند، انسان نیز توانمندی

خلقت و آفرینندگی دارد.

### تفاوت خالقیت خداوند با انسان

بدیهی است میان خالقیت خدا و خالقیت انسان تفاوت‌ها و تمایزات اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱. آفرینندگی و خلّاقیت خداوند تبارک و تعالی بالاصاله و بالاستقلال است، در حالی که آفرینندگی انسان بالتبع و بالعرض و وابسته به قدرت لایزال الهی است. به عبارت دیگر توانایی انسان بر آفرینندگی منوط به اذن و فرمان خداست و بدون اذن و قدرت خداوند در عالم، حتی برگی بر درختی حرکت نمی‌کند. چنانچه خداوند در قرآن کریم درباره حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

«إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِی» (مائده، ۵/۱۱۰)؛ در آن هنگام که تو از گل صورتی هم چون پرندۀ به اذن من خلق کردی.

۲. خداوند ماده و صورت اشیا را می‌آفریند، در حالی که اگر انسان بخواهد چیزی را ایجاد کند، تنها می‌تواند با استفاده از مواد موجود، این جهان، صورت تازه‌ای به آن ببخشد. مثلاً از مصالح ساختمانی خانه‌ای بسازد یا از آهن و فولاد اتومبیل یا کارخانه‌ای اختراع کند.

۳. خلقت و آفرینش خداوند نامحدود است و او آفریدگار همه چیز است. «الله خالق کل شیء» (رعد، ۱۳/۱۶)؛ در حالی که توانایی خلقت و ابداع انسان محدود است.

۴. آفرینش الهی، خالی از هرگونه عیب و نقص بوده و تمام و کمال است در حالی که آفرینش انسان معمولاً با عیب و نقص و کاستی‌هایی همراه است.<sup>۵</sup>

### طرح یک سوال

در این جا ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا می‌توان نسبت خالقیت به غیر خدا داد؟ به عبارت دیگر آیا غیر از خداوند تبارک و تعالی آفریدگار و خالق دیگری وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

اولاً ظاهر قرآن حجت است. یعنی الفاظ و عبارات ظاهری قرآن حجت شرعی است و اصولاً حجت ظواهر و الفاظ قرآن مورد پذیرش علمای فقه و اصول و علوم قرآنی است. در آیه ۱۴ سوره مؤمنون خداوند صریحاً می‌فرماید: «...أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». کلمه خالقین

جمع خالق است به معنی خالق‌ها و آفرینندگان. بنابراین بر اساس این آیه به جز خدا، آفرینندگان دیگری نیز تصور گردیده که خداوند بهترین و برترین آن‌ها معرفی شده است. ثانیاً در چند مورد از آیات قرآن کریم، خداوند خود نسبت خلقت و آفرینندگی را به افراد و اشخاص می‌دهد. به عنوان مثال خداوند در این آیه کریمه «و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی...» (مائده، ۱۱۰/۵)؛ و هنگامی که خلق کردی از گل صورتی هم چون پرنده به اذن من نسبت خالقیت و خلق را به حضرت عیسی می‌دهد و نیز در آیه «و تخلقون افکاً...» (عنکبوت، ۱۱۷/۲۹)؛ و دروغی خلق می‌کنید. و نیز در آیه «انی اخلق لکم من الطین کهیئه الطیر...» (آل عمران، ۴۹/۳)؛ من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم... در این آیه حضرت عیسی (ع) خلق و آفرینندگی را به خود نسبت می‌دهد.

ثالثاً همان‌طور که قبلاً اشاره شد، خالقیت خداوند بالاصاله و بالاستدلال بوده ولی خالقیت انسان بالتبع و بالعرض می‌باشد. یعنی در مورد انسان، خداوند قدرت خلق و آفرینندگی را به انسان داده است و این قدرت در مورد انسان محدود و مقید بوده و به اذن و اراده الهی می‌باشد.

ممکن است برخی با استناد به آیه - «و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون» (نحل، ۲۰/۱۶)؛ و معبودهایی را که غیر خدا می‌خوانند چیزی نمی‌آفرینند، بلکه خودشان آفریده می‌شوند - نسبت دادن خالقیت به انسان را رد نموده و هرگونه خلق را در مورد غیر خدا نفی نمایند. در پاسخ به این شبهه باید گفت: سیاق این آیه در مورد بت پرستان و مشرکان است. آن‌ها که بت‌هایی را با دست خود می‌ساختند و سپس آن را معبود و خدای خود گرفته و می‌پرستیدند. خداوند در مقام تخطئه و سرزنش آن‌ها می‌فرماید: آیا معبودهایی را که چیزی نمی‌آفرینند و عاجز و ناتوان از آفرینش هستند می‌پرستید؟ در حقیقت خداوند در این آیه و آیاتی نظیر آن، الوهیت و پرستش را مخصوص وجودی می‌داند که خالق و آفریننده است. به عبارت دیگر از منظر قرآن، خالقیت بارزترین مظهر الوهیت است و کسی شایستگی پرستش را دارد که خالق و آفریننده باشد. بدیهی است هنگامی که خالقیت را به طور محدود و مشروط و بالتبع برای انسان قائل هستیم، هرگز انسان را در مقام الوهیت و پرستش قرار نمی‌دهیم زیرا خالقیت انسان با خالقیت خداوند تفاوت ماهوی (کیفی) و اساسی دارد و انسان تنها با تغییر و ترکیب و تقدیر و اندازه‌گیری در صورت مواد، آن‌ها را

به شکل جدیدی در می‌آورد. هم چنین تفاوت‌های اساسی میان خلاقیت خدا و انسان وجود دارد که قبلاً ذکر شده است.

## خلاقیت در انسان

انسان به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین مخلوق الهی، تنها مفکر خلاق و در میان همه مخلوقات الهی است.

در مورد خلاقیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است.<sup>۶</sup> به عنوان مثال:

۱. خلاقیت ارائه یک فکر، رفتار و محصولی نو و بدیع است.
۲. خلاقیت به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است.
۳. خلاقیت نوعی توانایی در تولید ایده‌های نو از طریق ترکیب، تغییر و دوباره به کارگیری آن‌ها در یک طرح و ترکیب جدید است.
۴. خلاقیت توانایی ترکیب اندیشه‌ها، به شیوه‌ای منحصر به فرد با ایجاد ارتباطی غیرمعمول بین اندیشه‌ها است.
۵. خلاقیت طی کردن راهی تازه یا پیمودن راه طی شده قبلی به شیوه‌ای نوین است.
۶. خلاقیت کشف ناشناخته‌هاست.

در مورد خلاقیت دو نکته اساسی مطرح است:

۱. خلاقیت یک فرآیند است. به این معنا که از مجموعه فعالیت‌های مرتبط به هم و عملیات به هم پیوسته و حرکت مشتمل بر نقاط و اقدامات متصل به هم حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر، خلاقیت به صورت ناگهانی به دست نمی‌آید، بلکه محصول تلاشی مستمر و پیگیر در طول دوران زندگی انسان، خصوصاً دوران کودکی و نوجوانی است.
۲. خلاقیت یک مهارت است. یعنی قابل‌تعلیم و تعلم است. خلاقیت یک فن است و می‌توان آن را یاد داد و یاد گرفت. خلاقیت گوهر درخشان و گران‌بهایی است که با انسان زاده می‌شود و همواره با جوهر او متصل است و همیشه همراه انسان می‌باشد و با تمرین می‌توان آن را شکوفا نمود. خلاقیت مخصوص انسانی خاص نیست، همه قادرند در هر سطحی از علم و شرایط اجتماعی و اقتصادی از توان خلاقیت‌های خویش بهره ببرند، به شرط آن که آن را کشف نموده و با تمرین و ممارست شکوفا سازند.

## نوآوری<sup>۷</sup>

نتیجه خلاقیت نوآوری است. نوآوری خلاقیت متجلی شده و مرحله عملی خلاقیت است. به کارگیری ایده، اندیشه و فکر جدید ناشی از خلاقیت می باشد. در حقیقت، نوآوری فرآیندی است که مفهوم جدید یا اندیشه و ایده تازه تولید شده به وسیله خلاقیت را به عمل تبدیل می کند.

## اهمیت خلاقیت

خلاقیت موجب رشد و بالندگی فکری انسان و جامعه شده و منجر به پیشرفت های علمی و تکنولوژی و ارتقا فرهنگ و تمدن بشری می گردد.

## عوامل مؤثر در خلاقیت یا زمینه های خلاقیت

با توجه به آیه ۸۶ سوره حجر و آیه ۸۱ سوره یس که در آن ها واژه خلاق در کنار صفت علیم خداوند آمده است، می توان نتیجه گرفت که علم و دانش، مقدم بر خلاقیت است. تقدیم واژه خلاق بر واژه علیم، بیانگر عظمت خلاقیت و نوآوری می باشد و نیز نشان می دهد که خلاقیت مبتنی بر علم و دانش بوده و آگاهی نقش بسیار مهمی در بروز خلاقیت دارد. برای رسیدن به علم و آگاهی، تفکر و اندیشیدن لازم است. در حقیقت مایه اصلی خلاقیت، علم و دانش است که آن نیز مبتنی بر تفکر و اندیشه می باشد. به عبارت دیگر خلاقیت یکی از جنبه های اصلی تفکر و اندیشیدن به شمار می رود.

در علم منطق تعریف «فکر» آمده است: فکر عبارت است از حرکت ذهن به سوی مبادی و مقدمات معلوم و سپس حرکت از آن مبادی به سوی کشف مقصود. به عبارت دیگر تفکر تجزیه و تحلیل معلومات قبلی انسان برای رسیدن به معلومات جدید است.<sup>۸</sup>

## اهمیت و جایگاه تفکر در قرآن

قرآن کریم در بسیاری از آیات خود، افراد را به تفکر و اندیشیدن و ژرف نگری در مسائل فراخوانده است. به عنوان مثال:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خَلْقِكُمْ وَمَا تَتَذَكَّرُونَ» (سبأ، ۳۴/۴۶)؛ بگو ای پیامبر من تنها یک اندرز این هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید»

می‌دهم و آن این که دو تا دو تا و یا یک به یک، برای خدا قیام کنید. سپس بیندیشید. دوست شما (محمد ص) هیچ گونه جنونی ندارد. او صرفاً شما را از عذاب سختی که در پیش است هشدار می‌دهد.

بر اساس این آیه خداوند بزرگ، انسان‌ها را تنها به یک پند و اندرز فرا می‌خواند که سعادت و خوشبختی و رستگاری انسان‌ها در گرو آن است و آن حرکت مخلصانه، به تنهایی یا با یکدیگر و تفکر و اندیشیدن است.

«و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون» (عنکبوت، ۲۹/۴۳)؛ و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم ولی جز دانایان آن‌ها را در نمی‌یابند.

«قل هل یستوی الأعمی و البصیر أفلا تتفكرون» (انعام، ۶/۵۰)؛ بگو آیا کور و بینا یکسانند؟ پس آیا نمی‌اندیشید؟

در سوره بقره «کذلک یمین الله لکم الآیات لعلکم تتفكرون» (بقره، ۲/۲۱۹)؛ خدا بدین سان آیات خود را برای شما روشن می‌سازد و تا بیندیشید. باشد که تفکر کنید. و در موارد دیگری خداوند آیات خود را برای اندیشمندان بیان می‌کند.<sup>۹</sup>

نکته شایان توجه دیگری است که در قرآن کریم حدود ۲۳ آیه می‌باشد که در آن‌ها لفظ «لعلکم تعقلون» به کار رفته است.

در حدیث آمده است:

- فکر ساعه خیر من عبادہ سنه؛<sup>۱۰</sup> یک ساعت تفکر بهتر از عبادت یک سال است.

- لا عبادہ کالتفکر؛<sup>۱۱</sup> هیچ عبادتی مانند تفکر نیست.

- کان رسول الله ص متواصل الأحران، دائم الفکره؛<sup>۱۲</sup> رسول اکرم ص پیوسته اندوهگین

بود و همواره تفکر می‌کرد.

- کان اکثر عبادہ ابی ذر التفکر؛<sup>۱۳</sup> بیشترین عبادت ابوذر تفکر بود.

قرآن کریم همگان را به تفکر نقادانه و خلاقانه فرا می‌خواند آن‌جا که می‌فرماید:

«فبشر عباد\* الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه اولئک هداهم الله و اولئک هم

اولوالالباب» (زمر، ۱۷-۱۸/۳۹)؛ پس بندگان مرا بشارت بده کسانی که به سخن گوش فرا می‌دهند

و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینانند که خدایشان هدایت کرده و هم اینانند خردمندان.

بر اساس این آیه نقش استماع و خوب شنیدن در تفکر و اندیشیدن خلاق، بسیار

مؤثر است؛ چرا که صاحبان خرد و آنان که از طرف خداوند هدایت فکری شده‌اند، ابتدا با دقت به سخنان گوش فرا داده و سپس بهترین و گزیده‌ترین آن‌ها را پیروی می‌کنند. یعنی این افراد تفکر نقادانه داشته و هر چیز را به راحتی نپذیرفته و پیروی نمی‌کنند.

و در جای دیگر نیز خداوند از قول دوزخیان می‌فرماید:

«و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير» (الملک، ۶۷/۱۰)؛ و گویند اگر

می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم در زمره دوزخیان نبودیم.

بر اساس این آیه راه نجات از سقوط در دوزخ و هلاکت ابدی، استماع و تعقل و

اندیشیدن می‌باشد.

### منابع تفکر

حال که با اهمیت و جایگاه تفکر و اندیشیدن آشنا گشتیم باید بدانیم، منابع تفکر چیست؟ به عبارت دیگر مواد و مجاری تفکر کدامند و در چه چیزهایی باید اندیشه نموده و دانش و آگاهی به دست آوریم تا به خلاقیت و نوآوری دست یابیم.

بر اساس معارف قرآنی انسان باید اندیشه و تفکر خود را در چهار حوزه اصلی به کار

اندازد:

#### ۱. خداشناسی

مبدأشناسی و خداشناسی یکی از مجاری مهم تفکر انسان است. در حدیث آمده

است:

«أفضل العبادة ادمان التفكير في الله و قدرته»؛<sup>۱۴</sup> برترین عبارت همواره اندیشیدن درباره

خداوند و قدرت اوست.

اما این که چگونه درباره خداوند بیندیشیم، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «تفكروا في آلاء

الله و لا تفكروا في الله»؛<sup>۱۵</sup> در نشانه‌ها و قدرت خدا فکر کنید، در ذات خدا فکر نکنید.

و بر اساس تعالیم دینی با تفکر در آیات هستی و نشانه‌های قدرت خداوند درهای

معرفت و نور به روی انسان گشوده شده و او را با حقایق و معارف خلقت و خلاق علیم

آشنا می‌سازد.



## ۲. انسان شناسی

از دیگر حوزه‌ها و مقولاتی که انسان باید در آن بیندیشد، وجود خویش و آشنایی با استعدادها و توان‌مندی‌ها و نقاط قوت و ضعف خویش می‌باشد. در احادیث از این نوع شناخت به خودشناسی تعبیر شده که دارای جایگاه و اهمیت بسیاری است. به عنوان مثال حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«معرفة النفس أنفع المعارف»؛<sup>۱۶</sup> شناخت نفس، سودمندترین شناخت‌هاست.

و نیز می‌فرماید:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛<sup>۱۷</sup> هرکس خود را بشناسد، خدایش را می‌شناسد.

## ۳. جهان شناسی

انسان با تفکر و اندیشه در هستی به هدفمند بودن، حق بودن و استواری آن بر اساس حکمت دست می‌یابد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و فی الارض آیات للموقنین» و «و فی انفسکم افلا تبصرون» (ذاریات، ۲۱/۵۱-۲۰)؛ و در

زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است و نیز در وجود خودتان، پس آیا نمی‌بینید؟

«ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار آیات لاولی الالباب»؛<sup>۱۸</sup> الذین

یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما

خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران، ۱۹۲/۳-۱۹۱)؛ به راستی در آفرینش

آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است. آنان که خدا را

ایستاده و نشسته و خوابیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا

این جهان را بیهوده نیافریده‌ای، پاکی برای توست پس ما را از عذاب آتش نگاه دار.

«ان فی اختلاف الیل و النهار و ما خلق الله فی السموات و الارض آیات لقوم یتقون»

(یونس، ۶/۱۰)؛ به راستی در آمد و شد شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده

برای اهل تقوا نشانه‌هایی است.

## ۴. تاریخ شناسی

تفکر در تاریخ و احوال و سرگذشت پیشینیان، بهترین راه باور کردن اندیشه و خلأقیت

انسان است. به همین دلیل قرآن کریم تأکید بسیاری بر گردش در زمین و تفکر در عاقبت

و اقوام پیشین می‌نماید. چنانچه می‌فرماید:

«او لم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم...» (روم، ۹/۳۰)؛ آیا در زمین نگردیدند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند، چگونه شد، از جمله؛ نظیر مفهوم این آیه در قرآن ۱۲ بار تکرار شده است.

«...فاقصص القصص لعلهم یتفکرون» (اعراف، ۱۷۶/۷)؛ پس قصه‌ها را برای آن‌ها بازگو کن، باشد که اندیشه کنند.

یکی از روش‌های ایجاد خلاقیت، قصه‌گویی و داستان‌سرایی است. بی‌جهت نیست که قرآن کریم سرگذشت اقوام و انبیا گذشته را در قالب داستان‌های زیبا و جذاب، به طور هنرمندانه مطرح نموده است. در حقیقت گذشته چراغ راه آیندگان است.

### آسیب‌شناسی تفکر

از دیدگاه قرآن کریم برخی موارد، موانع تفکر سالم و بالنده می‌گردد که آن‌ها عبارتند از:

۱. تکیه بر ظن و گمان به جای علم و یقین؛  
«و إن یتبعون الّا الظن و إن هم یخرسون» (انعام، ۱۱۶/۶)؛ آنها صرفاً از وهم و گمان پیروی می‌کنند و جز این نیست که به گزاف و حوس سخن می‌گویند.  
«و لا تقف ما لیس لک به علم» (اسراء، ۱۷/۳۶)؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن.

۲. تقلید کورکورانه و پیروی از عادات و سنت‌های غلط؛  
«و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءاباءنا...» (بقره، ۱۷۰/۲)؛ و چون به آن‌ها گفته شود: از چیزی که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند [نه] بلکه از آن چه پدران خویش را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم.  
«و کذلک ما أرسلنا من قبلك فی قریة من نذیر الّا قال مترفوها إنا وجدنا ءاباءنا علی أمة و إنا علی ءاثارهم مقتدون» (زخرف، ۲۳/۴۳)؛ و هم چنین بیش از تو در هیچ شهری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آن که خوش گذران‌های آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما به آثار آن‌ها اقتدا می‌کنیم.

### ۳. شخصیت گرایی؛

«و قالوا ربنا إنا أطعنا سادتنا و كبراءنا فأضلونا السبيل» (احزاب، ۳۳/۶۷)؛ و گویند پروردگارا ما پیشوایان و بزرگان خویش را اطاعت کردیم و آن‌ها ما را از راه به در کردند.

۴. ارتکاب گناه و پیروی از امیال و هواهای نفسانی (نجم، ۵۳/۲۳)

۵. پیروی بدون اندیشه از اکثریت؛

«و إن تطع أكثر من فی الارض یضلوك عن سبیل الله» (انعام، ۶/۱۱۷)؛ و اگر از بیشتر

مردم روی زمین پیروی کنی تو را از راه خدا به در می‌کنند.

### ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور

۱. ایمان به خدا و توکل به قدرت مطلق هستی (خدا) با تفکر در آیات و نشانه‌های او.

۲. داشتن سلامت فکر و روان.

۳. هدف‌گرا و هدفمند بودن و به کارگیری تمام استعدادها در جهت هدف.

۴. داشتن تفکر و اندیشه؛ یکی از راه‌های اندیشه و تفکر، طرح سؤال است. پیامبر

اکرم (ص) فرموده‌اند: آگاه باشید، کلید دانش پرسش است.

۵. مشتاق و تلاش‌گر بودن؛ «و أن لیس للإنسان إلا ما سعی\* و أن سعیه سوف یری»

(نجم، ۵۳/۴۰-۳۹)؛ برای آدمی جز آن چه به سعی خود انجام داده نخواهد بود. و البته انسان

پاداش عمل خود را به زودی خواهد دید.

۶. داشتن انگیزه درونی جهت تلاش و کوشش

۷. کنجکاو بودن؛ پرسش از علت پدیده‌ها و چرایی و چیستی‌ها، عدم سطحی‌نگری،

اندیشیدن به عمق مسائل.

۸. بردبار و شکیبیا بودن؛ صبر در مشکلات و ناکامی‌ها، نهراسیدن از تلخی‌ها و

ناکامی‌ها و آن‌ها را راهی برای رسیدن به موفقیت داشتن.

«فإن مع العسر یسری\* إن مع العسر یسری» (انشراح، ۹۴/۵-۶)؛ پس بی‌تردید با دشواری

آسان است. مسلماً با دشواری آسانی است.

«و اصبر علی ما أصابک» (لقمان، ۱۷/۳۱)؛ و بر آسیبی که بر تو رسد صبر کن.

۹. داشتن ابتکار و ذهنی پویا که نتیجه آن ارائه پیشنهادها سازنده و مفید.

۱۰. استقلال رأی؛ انسان‌های خلاق پیرو و دنباله‌رو نیستند. صاحب فکر و اندیشه و سبک نو هستند و اعتماد به نفس دارند.
۱۱. عدم وابستگی به دنیا و مادیات.
۱۲. پرهیز از بطالت و کسالت؛ مدیریت زمان داشتن، دوری از لغو و لهو.
- «عن اللغو معرضون» (مؤمن، ۳/۲۳)؛ و آنان که از بیهوده روی گردانند.
۱۳. انعطاف پذیری. قدرت شنیدن انتقاد؛ افراد خلاق کلمه «نمی دانم» را راحت به زبان می‌آورند و در برخورد با افراد رعایت انصاف را می‌نمایند.
۱۴. دوری از خودخواهی و غرور و تکبر.
۱۵. همّت والا؛ «قدر الرجل علی قدر همّته»<sup>۱۸</sup> ارزش مرد به میزان همت اوست.
۱۶. داشتن ایستادگی و پشتکار.

### باورهای مهم در خلاقیت

۱. ایمان قوی به انجام کار و عدم اعتقاد به محدودیت‌ها.
۲. عدم هراس از شکست. «فاستقم كما امرت» (هود، ۱۱/۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای پایداری کن.
- «ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین» (بقره، ۲/۲۵۰)؛ پروردگارا بر ما شکیبایی ببار و قدم‌های مان را استوار ساز و ما را بر قوم کافر پیروز گردان.
۳. با معلومات داشته دست به اقدام جدید بزنیم.
- حضرت علی (ع) می‌فرماید: ما لایدرک کلّه لایترک کلّه؛<sup>۱۹</sup> آن‌چه تمام آن فهمیده نمی‌شود را نباید رها کرد.
۴. مشورت کردن با دیگران. «تال جامع علوم انسانی»
۵. ایجاد پیوند میان فعالیت‌ها و علاقه‌مندی‌ها.
۶. داشتن پشتکار و استقامت در کار «فاستقم كما امرت» (هود، ۱۱/۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، پایداری کن.

چگونه خلاقیت خفته خود را بیدار سازیم؟

۱. با علم و اعتقاد به توانمندیها و استعدادهای ذاتی انسانی خود.

۲. عمل و مداومت و تمرین و ممارست (با برنامه ریزی و مدیریت زمان)
۳. فعال کردن ذهن با سؤال کردن و پرسشگری
۴. ایجاد مقتضیات و شرایط و رفع موانع.

### نتیجه گیری

خداوند متعال انسان را موجودی خلاق و پویا آفریده است و با دعوت به گردش و تفکر در هستی و همراه سازی آن با علم و پشتکار، او را به بهره مندی از این خلاقیت و به کارگیری آن در جهت پیشرفت و کمال فرا خوانده است.

۱. ترس و اضطراب
۲. نبود انگیزه (درونی - بیرونی)
۳. خودرأیی و استبداد فکری
۴. مشغله زیاد و پراکنده کاری (عدم تمرکز بر موضوع واحد)
۵. عدم تحقیق و جستجوگری
۶. ضعف های فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی
۷. عدم سلامت روانی و فکری

- 
- |  |   |
|--|---|
| ۱. = آفرینندگی Creativity  | ۱۱. (الروم، ۲۰/۲۱).   |
| ۲. قاموس قرآن، قرشی، علی اکبر، ۲/۲۹۲.                                      | ۱۰. بحارالانوار، ۷۱/۳۲۶.  |
| ۳. مفردات الالفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین، تحقیق صفوان عدنان داودی/۲۹۶. | ۱۱. محاسن، برقی/۱۷.   |
| ۴. المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ۳۲/۲۹.            | ۱۲. معانی الاخبار، شیخ صدوق/۸۱.   |
| ۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم و دیگران، ۱۴/۲۱۰-۲۰۹.                           | ۱۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ۳۲۳۷۱/۱.                                    |
| ۶. شبکه فن آوری اطلاعات ایران WWW.IRIN.COM، (خلاقیت در مدیریت).            | ۱۴. اصول کافی، ۲/۵۵.  |
| ۷. innovation.   | ۱۵. سیره نبوی، دلشاد تهرانی، ۱/۴۱۹.                                       |
| ۸. شرح منظومه، سبزواری، ملاحادی/۹.   | ۱۶. غررالحکم و درر الکلم، آمدی، عبد الواحد، ترجمه محمد علی انصاری، ۲/۷۶۸. |
| ۹. (الرعد، ۱۳/۳)، (یونس، ۱۰/۲۴)، (النحل، ۱۶/۱۶).                           | ۱۷. همان، ۲/۶۲۵.  |
|  | ۱۸. نهج البلاغه، حکمت ۴۷.   |
|  | ۱۹. نهج البلاغه.  |